

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۲ هـ.ق - میقات محرم)

۱۹ آذر ۸۹

خطبه‌ی شب چهارم

حمد و ستایش مخصوص خداوند صاحب نعمت و احسان و کرامت و بخشش و توانایی ازلی است. اوست دانای ابدی، زنده‌ی یگانه و موجود سرمدی. شنوا و بیناست و گواهی دادند بر وحدانیتش فرشتگان و دانشمندان و اولیا و راست‌گویان.

سلام بر زمان‌هایی که با لطف الهی شرافت یافتند و هر کدام از بندگان که در گردونه‌ی آن زمان در اطاعت الهی قرار گیرد از شرافت آن بهره‌مند می‌شود. بله چه زیباست این سلام که از سخنان سرور و بانوی عالمیان حضرت زهرا (س) است.

چه زیبا شرافت یافتند آن‌هایی که در روزها و ساعت‌ها و لحظه‌های دهه‌ی محرم سال ۶۱ هجری در اطاعت پروردگار بودند و امام حسین (ع) را عاشقانه یاری کردند. بار الها به زمان و ساعت و لحظه‌های ما نیز به برکت وجود امام و سرور و مولایمان حضرت ابی‌صالح المهدی (عج) شرافت ابدی بخش به‌وسیله‌ی اطاعت ما از دستورات ایشان که همان دستورات تو در قرآن کریم است.

چهارمین شب از شب‌های ده‌گانه را زینت می‌بخشیم به خطبه‌ی آن:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی شب چهارم

پروردگار کریم در کتاب آسمانی قرآن کریم فرموده‌اند: آیا پاک و ناپاک با هم برابرند و این سؤال را در حالی مطرح می‌فرماید که انسان از پدری واحد به دنیا آمد. تمام بشریت فقط یک پدر داشت و تمام خصوصیات از او در فطرت‌ها به‌جا ماند پس ناپاکی از دیدگاه قرآن کریم چه مفهومی دارد؟ آیا به کسی گفته می‌شود که گناهان کبیره انجام دهد و کاملاً خداوند را انکار می‌کند؟ طبق فرموده‌ی پروردگار او نجس

است و خطوات ذهنش وجودش را مسموم نموده و مسمومیتش قلب و روح را در بیماریِ ناعلاجِ کفر و طغیان در تارهای عنکبوتی محصور کرده و راه نجاتی برایش جزء مرگِ روحش باقی نگذاشته.

آیا تماشای این کفر برای چه کسانی مطلوب است و چرا؟

پروردگار می‌فرماید: خردمندان از دیدن صحنه‌های کفر و نفاق متزلزل نمی‌شوند هرچند فراوانی آنان مؤمنان راستین را به اعجاب افکند. آیا سؤال‌های زمان که به واسطه‌ی قرآن کریم پاسخ داده شده نمی‌تواند جامعه‌ی بشری را قانع کند؟ درحالی‌که جامعه‌ی انسانی از عقل سالم و اندیشه‌ی درست تهی شده و آنچه به نام عقل برایش باقی مانده ماشینی مخترع است بدون قلب و روح و احساس که فقط با برنامه‌ریزی، وسایل راحتی‌اش را فراهم می‌کند و به سرعت معنا می‌بخشد و سپس در تارهای عنکبوتی که به دور خود تنیده است انسان‌ها را به چنگ می‌اندازد و روحشان را در آن تارها هضم می‌کند و مرتباً انرژی‌اش افزایش پیدا می‌کند و تارهایش قوی و محکم می‌شود و خالق‌ی که با آفریده‌هایش مهربان است عنکبوت و عنکبوتیان را معرفی می‌کند و هشدار می‌دهد که آن‌ها را برانید تا شکارتان نکنند.

آنچه در تاسوعای اباعبدالله اتفاق افتاد و حرارتش را نسبت به روزهای دیگر بیشتر کرد و بی‌قراری‌اش را جان جهان ثبت نمود، پاره کردن تارهای عنکبوتی بود و فرار از چنگال نفسی که حیاتش را، خانه‌اش را، آرزوهایش را دوست دارد و جدا شدن از علایقش نیاز به کلام خالقش داشت که فرمود: سست‌ترین خانه‌ها خانه‌ی عنکبوت است.

یاران و فرزندان امام حسین (ع) به فرموده‌ی قرآن کریم جهاد را برگزیده بودند تا آینه‌ی روحشان انعکاس عشقی باشد که همواره زمان‌ها در آن بنگرد و آفرینش انسان و هدفش را درک کنند.

از عاشورای سال ۶۱ هجری سال‌ها می‌گذرد، سال‌هایی که خاطره‌ی عاشورا را در پیشانی تاریخ سالی پر از رنج و زحمت ثبت نموده و زمان مرتباً در تکرارش به یک نتیجه رسیده و آن، نزدیک کردن خود با اشک و سوز و ناله و نفرین بر قاتلان وجود

مقدس امام و یارانش بوده. حرکت آنان در احساس ما جاودانه گردیده و نسل به نسل منتقل شده تا به ما رسیده و ما هر شب از محرم، عاشورائیان را با زیارت عاشورا زیارت می‌کنیم و بر جاهلان راه امامت لعنت می‌فرستیم، لعنتی که از زبان پیامبر (ص) و قرآن کریم است.

نام امامان را به‌عنوان پرچم‌دار حق فریاد می‌زنیم، چراغ‌ها را خاموش می‌کنیم و بر سینه می‌کوبیم و درحالی‌که رضایت خاطر از عزاداری برای سالار شهیدان در وجودمان نمایان گردیده به خانه‌هایمان می‌رویم و تا روز عاشورا بر همین منوال می‌گذرد و عاشورا می‌رسد و تمام می‌شود و احساس‌ها در صندوقچه‌ی جان پنهان می‌گردد و تا سال آینده که باز در صندوقچه باز شود و حق از آن بیرون آید و باطل مورد لعن و نفرین واقع شود.

آیا نام این حرکت چیست؟ عشق به اهل‌بیت است؟ مزد رسول الله است؟ احساس همدردی است؟ ذخیره‌ی آخرت است؟ شفاعت امام است؟

باید به دنبال نامش در وجودمان بگردیم تا راهمان مشخص شود. اگر هدفمان عشق بود سراغ کتاب خدا برویم و عشق را در آن بیابیم و آن‌چنان عاشق شویم که پروردگار کریم فرموده.

در شب‌های آینده به فضل الهی به سؤالات ذهن و وجودمان پاسخ خواهیم داد تا قبل از پایان زمان نجات از نجات یافتگان باشیم و سوار بر سفینه‌ی نجاتی شویم که نامش را دوست داریم و منتظرش هستیم.

پس همه با هم او را صدا می‌زنیم و می‌گوییم:

اللهم عجل لولیک الفرج